



جیسون دمارس
خدمت حقیقت حاضر
آگست ۲۰۱۹

عیسی مسیح دیروز و امروز و تا ابدالآباد همان است.

عبرانیان ۸:۱۳

در سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱، هر سه ماه یکبار نامه‌ای تعلیمی می‌نوشتیم، که به زبان فارسی و اردو ترجمه می‌شد. ما شهادت‌های بسیاری در مورد مقالاتی که نوشته شد، دریافت نمودیم. از آنجا که سؤالاتی در مورد بسیاری از موضوعات و مطالب وجود دارد و همچنین تمایل زیاد به یادگیری و رشد کردن وجود دارد، این مسئولیت و انگیزه را حس نمودم که بار دیگر در بهار سال ۲۰۱۶ آن را آغاز نمایم. هدف و خواست ما ایستادن در تعالیم برادر برانهام و نشان دادن واضح آن تعالیم می‌باشد. این مسئولیت و کاری است که من برای آن فراخوانده شده‌ام.

نسخه‌ی ماه آگست، این موضوع مهم را به تفصیل پوشش می‌دهد:

۱. چرا جهنم ابدی وجود ندارد؟

عدم وجود جهنم ابدی

آیا جهنمی سوزان و ابدی وجود دارد که در آخر جان انسان به شکلی پایان ناپذیر در آن عذاب بکشد؟ هرکسی که در مورد این فکر پرسش و تحقق کرده است یک بدعت گذار تلقی می‌شود. می‌خواهم که ما به خود آیات کتاب مقدس برویم و ببینیم که حقیقتاً به ما چه می‌گویند.

در نسخه‌ی یونانی عهد جدید از دو کلمه برای ابراز ابدیت استفاده شده است: آفتارسیا و آپتارتوس.^۱ آفتارسیا: «بی‌فساد یا یک وجود لایتنی». آپتارتوس: «تباهی ناپذیر». حال بیابید کاربرد آنها در عهد جدید را بررسی کنیم.

"اما به آنانی که با صبر در اعمال نیکو طالب جلال و اکرام و بقایند، حیات جاودانی راه!" رومیان ۷:۲

این آیه در مورد مردمی صحبت می‌کند که در چیزهای دیگر به دنبال جاودانگی هستند. یک مبشر عادی امروزی جان ما را جاودانه توصیف می‌کند. شما در هر صورت برای ابد زندگی خواهید کرد، چه در آسمان باشد یا جهنم. در اینجا این رسول به نیاز برای دریافت جاودانگی اشاره می‌کند.

^{۵۲} در لحظه‌ای، در طرفه‌العینی، به مجرد نواختن صور اخیر، زیرا کرنا صدا خواهد داد، و مردگان، بی‌فساد خواهند برخاست و ما متبدل خواهیم شد. ^{۵۳} زیرا که می‌باید این فاسد، بی‌فسادی را بپوشد و این فانی به بقا آراسته گردد. ^{۵۴} اما چون این فاسد، بی‌فسادی را پوشید و این فانی به بقا آراسته شد، آنگاه این کلامی که مکتوب است، به انجام خواهد رسید که مرگ در ظفر بلعیده شده است. ^{۵۴-۵۲:۱۵} اول قرن‌تینان

^۱ apthartos & aptharsia

در این آیه این رسو به بدن فانی ما اشاره می‌کند، نه جان ما. او می‌گوید که بدن فاسد شدنی ما باید بی‌فسادی و ابدیت را بر تن کند. در این مورد، الهیدانان انجیلی بر این باورند که این آیه می‌گوید، این بدن ماست که جاودانه نیست، لیکن جان ما جاودانه است.

"به‌جهت میراث بی‌فساد و بی‌آلایش و ناپژمرده که نگاه داشته شده است در آسمان برای شما!" اول پطرس ۴:۱

باید به ایمانداران میراثی ابدی داده شود. این به بی‌ایمانان داده نمی‌شود. حتی یک آیه نیز در کتاب مقدس وجود ندارد که جاودانگی را به یک گناهکار محکوم شده بدهد. تمام آیات کتاب مقدس از جاودانگی بعنوان پاداشی برای ایمانداران امین صحبت می‌کنند. حیات ابدی بواسطه‌ی پسر خدا به ما بخشیده شد.

"^{۱۱} و آن شهادت این است که خدا حیات جاودانی به ما داده است و این حیات، در پسر اوست. ^{۱۲} آنکه پسر را دارد، حیات را دارد و آنکه پسر خدا را ندارد، حیات را نیافته است." اول یوحنا ۵:۱۱-۱۲

خدا حیات جاودانی را به ما داده است. این حیات در زمان تولد به ما ارث نمی‌رسد. اما اگر پسر را داشته باشید، حیات را دارید و اگر پسر خدا را ندارید، حیات جاودانی را در اختیار ندارید.

"که تنها (لایموت و ساکن در نور) است که نزدیک آن نتوان شد و احدی از انسان او را ندیده و نمی‌تواند دید. او را تا ابدالآباد اکرام و قدرت باد. آمین!" اول تیموتائوس ۱۶:۶

خدا به تنهایی جاودانه است. او نمی‌تواند بمیرد، پیر شود و غیره.

"زیرا هم‌چنان که پدر در خود حیات دارد، همچنین پسر را نیز عطا کرده است که در خود حیات داشته باشد." انجیل یوحنا ۵:۲۶

توجه کنید، پدر در خود حیات دارد: او به تنهایی جاودانه است، لیکن به پسر نیز عطا کرده که در خود حیات داشته باشد. ما بالاتر در اول یوحنا ۵:۱۱-۱۲ می‌خوانیم که بواسطه‌ی پسر خدا حیات ابدی به ما داده شده است. خدا بواسطه‌ی اِرت، حیات ابدی را به خانواده‌اش می‌دهد.

"زیرا خدا جهان را این قدر محبت نمود که پسر یگانه‌ی خود را داد تا هر که بر او ایمان آورد، هلاک نگردد، بلکه حیات جاودانی یابد." انجیل یوحنا ۱۶:۳

"زیرا که مزد گناه موت است، اما نعمت خدا حیات جاودانی در خداوند ما عیسی مسیح." رومیان ۶:۲۳

حیات ابدی یک وضعیت پیش فرض برای هر انسانی نیست. تنها کسانی که پیش از بنیاد عالم توسط خدا برگزیده شده‌اند، به انجیل پاسخ می‌دهند و حیات جاودانه به آنها داده خواهد شد. حیات ابدی هدیه‌ای از جانب خداست، نه چیزی که به صورت خودکار درون هر انسانی که به دنیا می‌آید، وجود داشته باشد.

تعریف جاودان

در فرهنگ لغات اریجینال نوح وبستر (یک فرهنگ لغات زبان انگلیسی)^۲ تعریف جاودان از این قرار است: «بدون ابتدا یا انتهای وجود» یا «بدون پایان وجود».

برادر برانهم نیز این کلمه را مانند تعاریف مذکور به وضوح تعریف کرده است.

Noah Webster's original ^۲

"کلمه‌ی «جاودان» به معنی «ابدیت» است که نه ابتدا و نه انتهای دارد."^۳

با این حال، آیا کلمات یونانی که «جاودان»، «ابدی» و «تا به همیشه» ترجمه شده‌اند، همگی دارای معنی مشابهی هستند؟ اول بیایید ببینیم کشف اللغات استرانگزر^۴ چطور این کلمات را تعریف کرده است. نخستین کلمه‌ای که می‌خواهیم در زبان یونانی مورد مطالعه قرار دهیم آیون^۵ است. این کلمه در کشف اللغات یونانی استرانگزر چنین تعریف شده است:

"به طور مناسب یک عصر؛ به تعمیم ابدیت (همچنین گذشته)؛ به طوری ضمنی دنیا؛ به طور خاص (یهودی) یک برهه مسیحایی (حال یا آینده): - عصر، دوره، ابدی، (تا)ابد(ال)آباد، (ابتدای، در حین) دنیا (آغاز شده، بدون پایان)."

این تعریف به وضوح نشان می‌دهد که معنای کلمه‌ی آیون یک دوره و یک برهه‌ی زمانی است. حال، بیایید اکثر کاربردهای آن را در عهد جدید مرور کنیم. می‌خواهم در هر کدام از این موارد کلمه‌ی «جاودان» را بخوانید تا به وضوح ببینید که کلمه‌ی آیون براساس متن و کلماتی که پیرامونش به کار رفته است، معنایش تغییر می‌کند. پیش از اینکه کلمه‌ی آیون مورد استفاده قرار گیرد، آن را در پرانتز قرار می‌دهم. در هر آیه با حروف درشت، کج، خط زیرین به کلمه‌ی آیون اشاره خواهد شد.

"و ما را در آزمایش میاور، بلکه از شیر ما را رهایی ده. زیرا ملکوت و قوّت و جلال تا (ابد/الآباد) از آن تو است، آمین." انجیل متی ۱۳:۶

در این کاربرد و چندی دیگر، می‌بینیم که این کلمه در رابطه با خدا و ملکوت او مورد

^۳ 57-0630، تشنگی برای حیات، کشیش ویلیام ماریون برانهام
^۴ Strong
^۵ aion

استفاده قرار می‌گیرد. ما می‌توانیم به این کلمه در ارتباط با خدا نگاه کنیم و بگوییم که از تمام ادوار تشکیل شده است. قدرت، ملکوت و جلال خدا در طول ادوار پایدار می‌ماند.

"و در کناره‌ی راه یک درخت انجیر دیده، نزد آن آمد و جز برگ بر آن هیچ نیافت. پس آن را گفت، از این به بعد میوه (تا به ابد) بر تو نشود! که در ساعت درخت انجیر خشکید!" انجیل متی ۱۹:۲۱

در اینجا کاربرد دیگری از کلمه‌ی آیون را می‌بینیم که تحت تأثیر متن پیرامونش قرار گرفته است. عیسی می‌گوید که آن درخت لعنت خواهد شد و سپس خشکید. به این معنی که، آن درخت مُرد و به این دلیل هرگز میوه نخواهد داد. این قسمت از بدون ابتدا و انتها صحبت نمی‌کند، بلکه در مورد پایان وجود آن درخت صحبت می‌کند.

"و او بر خاندان یعقوب (تا به ابد) پادشاهی خواهد کرد و سلطنت او را نهایت نخواهد بود." انجیل لوقا ۱:۳۳

طبق اول قرن‌تین ۱۵:۲۸، عیسی مسیح به مدت هزار سال بر سبط یعقوب فرمانروایی خواهد کرد و در انتهای این زمان ملکوت را به پدرش برمی‌گرداند، تا خدا کل در کل باشد.

"من هستم آن نان زنده که از آسمان نازل شد. اگر کسی از این نان بخورد (تا به ابد) زنده خواهد ماند و نانی که من عطا می‌کنم، جسم من است که آن را به جهت حیات جهان می‌بخشم." انجیل یوحنا ۶:۵۱

یک بار دیگر معنای این کلمه تحت تأثیر متن پیرامونش است. یکی از طرفی که مردم یهودی در مورد ملکوت هزارساله صحبت می‌کنند؛ این است: «دوره‌ی پیش رو». این یک مفهوم مهم برای ذهن هر یهودی است و چیزی است که همه‌ی آنها به آن می‌نگرند. وقتی که عیسی به پادشاه آنانی که از نان حیات می‌خورند، اشاره می‌کند؛

می‌گویند که آنها در آن دوره‌ی پیش رو خواهند زیست و همچنین، به طور ضمنی، نه تنها در آن زمان، بلکه آنها جاودان خواهند بود و هرگز نخواهند مرد.

"پس یهودیان بدو گفتند، الآن دانستیم که دیو داری! ابراهیم و انبیا مردند و تو می‌گویی اگر کسی کلام مرا حفظ کند، موت را تا به ابد نخواهد چشید؟" انجیل یوحنا ۵:۲۸

این کاربرد جالبی از این کلمه است. این کلمه در این متن به معنای هرگز است. این کلمه به همراه یک کلمه‌ی خاص یونانی به کار رفته که دارای بار منفی دوچندان است. زمانی که چنین مورد استفاده قرار می‌گیرد، معنای «هرگز» می‌دهد، نه در این دوره یا دوره‌ی پیش رو. برای کسی که کلام عیسی را حفظ کند، مرگی نخواهد بود.

"از ابتدای عالم شنیده نشده است که کسی چشمان کور مادرزاد را باز کرده باشد." انجیل یوحنا ۹:۳۲

در اینجا می‌بینیم که کلمه‌ی آیون در ارتباط با کلمه‌ی ابتدا به کار رفته است. از ابتدای دوران.

"که می‌باید آسمان او را پذیرد تا زمان معاد همه چیز که خدا از بدو عالم به زبان جمیع انبیای مقدس خود، از آن اخبار نمود." اعمال رسولان ۳:۲۱

بار دیگر می‌بینیم که این کلمه در ارتباط با کلمه‌ی ابتدا به کار رفته است و در آیات دیگر نیز چنین است.

"که پدران از آن ایشاند و از ایشان مسیح به حسب جسم شد که فوق از همه است، خدای متبارک تا ابد/آباد، آمین!" رومیان ۵:۹

بار دیگر این کلمه در ارتباط با مسیح به کار رفته است و از این می‌گویند که او در هر دوره متبارک خدا بوده است.

"یعنی آن سرّی که از دهرها (تا به ابد) و قرنها مخفی داشته شده بود، لیکن الحال به مقدسان او مکشوف گردید." کولسیان ۲۶:۱

این سرّ از ابدیت مخفی نبود، بلکه در ادوار، در یک برهه‌ی زمانی مخفی بود. این سرّ در ابدیت آشکار است.

"بالاتر از هر ریاست و قدرت و قوّت و سلطنت و هر نامی که خوانده می‌شود، نه در این عالم (ابدیت) فقط بلکه در عالم آینده نیز." افسسیان ۱:۲۱
ادوار بسیاری وجود دارد، اما فقط یک ابدیت وجود دارد.

"زیرا که دیماس برای محبت این جهان (ابدیت) حاضر مرا ترک کرده، به تسالونیک‌یی رفته است و کریسکس به غلاطیه و تیطس به دلماطیه." دوم تیموتائوس ۴:۱۰
این تناقض نفس است، شما نمی‌توانید توسط کلمه‌ی زمان به ابدیت اشاره کنید؛ این یا بیان‌کننده‌ی ابدیت حال یا آینده است. ابدیت همیشه ابدیت است، این همین عصر حاضر است.

"بلکه حکمت خدا را در سرّی بیان می‌کنیم، یعنی آن حکمت مخفی را که خدا پیش از (ابدیت) دهرها برای جلال ما مقدر فرمود." اول قرنتیان ۲:۷
چیزی بعنوان پیش از ابدیت وجود ندارد.

"چنان‌که در مقام دیگر نیز می‌گویید، تو (تا به ابد) کاهن هستی بر رتبه‌ی ملکیصدق." عبرانیان ۵:۶

عیسی زمانی که بر روی زمین بود، یک نبی نبود؛ او حالا کاهن است و در آینده می‌آید تا پادشاه شود و در دوره‌ی هزارساله بر تخت پدرش داوود بنشیند.

"پس همچنان که کرکاس‌ها را جمع کرده، در آتش می‌سوزانند، همان‌طور در عاقبت این عالم (ابدیت) خواهد شد." انجیل متی ۴۰:۱۳

ابدیت تمام نمی‌شود، اما این دوره پایان می‌یابد. همان‌طور که می‌بینید معنای کلمه‌ی آیون براساس متنی که در آن مورد استفاده قرار گرفته است، تغییر می‌کند؛ اما تقریباً همیشه به برهه‌ای از زمان اشاره می‌کند و به ارتباطی مستقیم با کلمه‌ی ابدیت در زبان انگلیسی و فارسی ندارد، مگر اینکه در ارتباط با خدا یا ملکوت سخن گفته باشد. آنگاه این کلمه فقط بصورت ضمنی از ابدیت سخن می‌گوید. نحوه‌ی استفاده از این کلمه در سرتاسر عهد جدید بر این امر شهادت می‌دهد. کلمه‌ی دیگری نیز هست که به معنی جاودان به کار رفته و ترجمه شده است: «آیونیون»،^۶ و تایر^۷ آن را در کشف اللغات یونانی خود چنین تعریف می‌کند:

۱) بدون ابتدا و انتها، که همیشه بوده و همیشه خواهد بود

۲) بدون ابتدا

۳) بدون انتها، بدون توقف، همیشه پاینده

نقش دستوری: صفت

می‌خواهم با نگاه کردن به چند آیه‌ی کلیدی نشان دهم که آیونیون اساساً همان معنی کلمه‌ی آیون را دارد. این کلمه‌ای است که تقریباً همیشه در سرتاسر عهد جدید بعنوان ابدی ترجمه شده است. این کلمه هفتادویک بار در عهد جدید به کار رفته است. پنجاهویک مورد از آنها در ارجاع به حیات ابدی یا چیزی مرتبط با حیات ابدی مورد استفاده قرار گرفته است. شش بار برای ارجاع به مجازات محکوم شدگان استفاده شده است.

^۶ aionion

^۷ Thayer - Greek Concordance

" و همچنین دخول در ملکوت جاودانی خداوند و نجات‌دهنده‌ی ما عیسی مسیح به شما به دولت‌مندی داده خواهد شد." دوم پطرس ۱:۱۱

قطعاً از ملکوت مسیح بعنوان چیزی ابدی صحبت شده است. همان‌طور که ما از کتاب مکاشفه و آیه‌ی اول قرن‌تین ۲۸:۱۵ می‌فهمیم این ملکوت هزار سال به طول می‌انجامد، که برهه‌ای از زمان است.

"الآن او را که قادر است که شما را استوار سازد، برحسب بشارت من و موعظه‌ی عیسی مسیح، مطابق کشف آن سرّی که از زمان‌های ازلی مخفی بود." رومیان ۱۶:۲۵

این همان کاربردی است که ما در کلمه‌ی آیون می‌بینیم. این در اینجا به همراه یک ارجاع زمانی به کار رفته است. بنابراین، از یک دوره یا برهه‌ی زمانی سخن می‌گوید.

" و همچنین سدوم و غموره و سایر بُلدان نواحی آنها مثل ایشان چون که زناکار شدند و در پی بشر دیگر افتادند، در عقوبت آتش ابدی گرفتار شده، به جهت عبرت مقرر شدند." یهودا ۱:۷

ساکنان سدوم و غموره از شدت آتش ابدی رنج بردند. این آیه بسیار بیانگر است، چون مجازات یک ایماندار دروغین را به مجازات سدوم تشبیه می‌کند. اگر آتش ابدی است، باید به این معنی باشد که سدوم و غموره هنوز در حال سوختن هستند و هرگز از سوختن متوقف نمی‌شوند. با این حال، براساس نوشته‌های کتاب مقدس بسیار روشن است که سدوم بلافاصله سوزانده شد. طبیعت آتش ابدی این است که می‌سوزاند و نابود می‌کند، تا جایی که چیزی باقی نمانده باشد. در این مورد برهه‌ی-زمانی «آتش ابدی» زمان بسیار کوتاهی به طول انجامید. کلمه‌ی آیونیون نیز کلمه‌ای است که براساس متن پیرامونش تغییر می‌کند. می‌تواند در یک آیه از حیات ابدی و مجازات ابدی سخن بگوید. معانی بسیاری براساس متن پیرامون می‌باشند. «خدای آیونیون» یا

«حیات آیونیون» دارای معنی متفاوتی از «زمان‌های آیونیون» یا «مجازات آیونیون» است. برای دریافت معنی این کلمات باید متن کل کتاب مقدس در نظر گرفته شود. خدا آیونیون است. این بدان معنی نیست که او تنها برای برهه‌ای از زمان وجود دارد، چنان که معنی کلمه‌ی آیون القاء می‌کند؛ بلکه بدین معناست که او هیچ ابتدا و انتهای ندارد. زمانی که به عطای حیات آیونیون اشاره می‌کنیم، باید مفهومی را که در مابقی کتاب مقدس تعلیم داده شده است، درک کنیم. این حاکی از زمانی است که خواهیم مرد، "پس از بدن غربت کنیم و به نزد خداوند متوطن شویم"^۱ در مورد یک قیام به یک بدن بی فساد صحبت می‌کند. در سرتاسر کتاب مقدس در مورد مفهوم جهنم صحبت شده است و باید آن را مطالعه کنیم تا بتوانیم معنای حقیقی «آتش آیونیون»، «تباهی آیونیون» و «مجازات آیونیون» را مشخص سازیم.

حقیقت کتاب مقدسی جهنم

"و ایشان در عذاب جاودانی خواهند رفت، اما عادلان در حیات جاودانی." انجیل

متی ۴۶:۲۵

ظاهراً کتاب مقدس به ما می‌گوید که شخص گناهکار و محکوم شده باید تا به ابد مجازات شود. کلمات مجازات و حیات در زبان یونانی همان آیونیون هستند. حال بیابید در رابطه با داکترین «جهنم» به متن کتاب مقدس نگاه کنیم. خود کلمه‌ی جهنم در زبان عبری، شئول است و به صورت تحت‌اللفظی به معنای محل قبر است، همچنین مکانی که عادل و ناعادل پس از مرگ به آنجا می‌روند. در عهد جدید چند کلمه به کار رفته که لازم نیست وارد جزئیات آن شویم. نکته‌ی اصلی این است که در عهد

^۱ دوم قرن تیان ۸:۵

جدید تصویر واضح می‌شود، اینکه جان‌های محکوم شده به جهنم خواهند رفت و عادل به بهشت می‌روند. مکان جهنم در دل زمین است. عادل و ناعادل هر دو براساس شریعت عهد عتیق به دل زمین رفتند. پس از اینکه مسیح از مردگان برخاست، بخش بهشت واقع در جهنم خالی شد و به آسمان صعود کرد. با توجه به داستان‌های مرد ثروتمند و ایلعادر روشن است که جهنمی واقعی وجود دارد که مردم در حال زجر کشیدن در آن هستند. کتاب مقدس ما را هدایت نمی‌کند که ایمان داشته باشیم جان شما تا زمان قیام در خواب است، چنان‌که بسیاری می‌گویند. یک جهنم حقیقی وجود دارد که مکانی حقیقی برای مجازات است.

اصطلاحاتی که در زبان یونانی بعنوان ابدی ترجمه شده‌اند، همان‌طور که مرور کردیم، بسته به متن پیرامونشان متفاوت هستند. اگر در رابطه با خدا یا حیات استفاده شود، نشان دهنده‌ی وجودیت خدا است که هرگز ابتدا و انتها ندارد. هنگامی که در رابطه با زمان ابتدا یا زمان حال استفاده می‌شود، به برهه‌ای از زمان اشاره می‌کند. هنگامی که در رابطه با مجازات استفاده می‌شود، می‌توانیم معنای دیگری را ملاحظه کنیم.

اگر قرار باشد کسی تا به ابد مجازات شود، پس باید آن شخص شرایط کیفی ابدی بودن را داشته باشد. تنها خداست که حیات ابدی دارد و همچنین اشخاصی که او عطیه‌ی حیات جاودانی را به ایشان عطا می‌کند. بیایید متون تعلیمی کتاب مقدسی بیشتری را در مورد جهنم بررسی کنیم.

پس هرگاه دست تو را بلغزانند، آن را بپُر، زیرا تو را بهتر است که شَل داخل حیات شوی، از اینکه با دو دست وارد جهنم گردی، در آتشی که خاموشی نپذیرد؛^{۴۴} جایی که کرم ایشان نمیرد و آتش، خاموشی نپذیرد.^{۴۳} انجیل مرقس ۹: ۴۳-۴۴

کرم و آتش نمی‌میرند، اما آن شخص چرا، کرم و آتش نابود کرده و از بین

می‌برند، تا جایی که چیزی باقی نماند. عیسی این مثال را از نبوت اشعیای نبی برداشت کرد و بکار برد.

"و ایشان بیرون رفته، لاش‌های مردمانی را که بر من عاصی شده‌اند، ملاحظه خواهند کرد زیرا کرم ایشان نخواهد مُرد و آتش ایشان خاموش نخواهد شد و ایشان نزد تمامی بشر مکروه خواهند بود." اشعیا ۶۶:۲۴

متوجه می‌شویم ایمانداری که در مراحل آغازین دوره‌ی هزارساله زندگی می‌کنند، بیرون می‌روند و اجساد آنانی را که در دوره‌ی عذاب سخت مردند، می‌بینند. آنجا که کرم ایشان نخواهد مرد و آتش ایشان خاموش نخواهد شد. آیا این بدین معناست که بدن‌های ایشان تا به ابد در خیابان‌ها خورده و سوزانده می‌شود؟ این فکر افتضاحی است. این چیزی است که خدا در طول مراحل آغازین دوره‌ی هزارساله به ساکنان زمین نشان خواهد داد تا فیض و رحمتش را به یاد ما آورد. کرم و آتش کار خود را انجام خواهند داد و چیزی باقی نخواهد ماند. چنان‌که ملاکی باب ۴ می‌گوید، آنها به خاکستر مبدل خواهند شد.

"و از قاتلان جسم که قادر بر کشتن روح نیاند، بیم مکنید، بلکه از او بترسید که قادر است بر هلاک کردن روح و جسم را نیز در جهنم." انجیل متی ۱۰:۲۸

اگر کشتن، محروم شدن بدن جسمانی از حیات است، آنگاه به نظر می‌رسد که جهنم، محروم شدن از حیات روحانی است؛ یعنی خاموشی و عدم وجود. زمانی که یک مرد یا زن شخصی را می‌کشد، آن شخص دیگر وجود فیزیکی ندارد. عیسی به ما می‌گوید از او بترسیم که می‌تواند روح ما را هلاک کند. این منطقاً بدین معناست که شما دیگر حیات روحانی نخواهید داشت.

"او خواهد مرد، به او به دریاچه‌ی آتش و گوگرد که مشتعل است خواهد رفت،

جایی که سوختن تا به ابدالابد ادامه می‌یابد، و شاید روح او برای صد میلیون سال در دریاچه‌ی آتش و گوگرد عذاب ببیند.

۲۳۸. من... شما می‌گویید: "آیا آن یک گوگرد معمولی خواهد بود؟" من فکر می‌کنم میلیون‌ها بار بدتر خواهد بود. فکر می‌کنم نمی‌توانید آن را با آتش توصیف کنید، کلمه‌ی حقیقی آتش. تنها دلیلی که از آتش استفاده شده، این است که آتش مخرب‌ترین چیزی است که در اختیار داشتیم. قطعاً همه چیز را تخریب و نابود می‌کند، آتش چنین می‌کند."^۹

او توسط آتش توضیح داد، چون بطور تمام و کمال نابود می‌کند. این آیه در مورد شیوه شکنجه‌ی ابدی صحبت نمی‌کند. این تصویری است که کاتولیس‌م و الهیات اصلاح شده به ذهن مسیحیت مدرن و امروزی ارائه داده‌اند، اما آنها تصویر را اشتباه درک کرده‌اند. توجه کنید که در آیه‌ی زیرین مجازات گناهکاران و موقعیتشان چطور شرح داده می‌شود.

"زیرا ذکر صلیب برای هالکان حماقت است؛ لکن نزد ما که ناجیان هستیم، قوت خداست." اول قرن‌تیاں ۱۸:۱

"زیرا خدا را عطر خوشبوی مسیح می‌باشیم، هم در ناجیان و هم در هالکان." دوم قرن‌تیاں ۱۵:۲

"و به هر قسم فریب ناراستی برای هالکین، از آنجا که محبت راستی را نپذیرفتند تا نجات یابند." دوم تسالونیکیان ۱۰:۲

"زیرا که مزد گناه موت است، اما نعمت خدا حیات جاودانی در خداوند ما عیسی مسیح." رومیان ۶:۲۳

^۹ 57-0925، پرسش و پاسخ در مورد عبرانیان 1#، کشیش ویلیام ماریون برانهام

"از در تنگ داخل شوید. زیرا فراخ است آن در و وسیع است آن طریقی که مُودّی به هلاکت است و آنانی که بدان داخل می‌شوند، بسیارند." انجیل متی ۱۳:۷

گناهکاران بعنوان اشخاصی توصیف می‌شوند که هلاک خواهند شد، یعنی خواهند مرد یا در درجه‌ی مرگ خواهند بود. مزد گناه مرگ است و راهی که به هلاکت ختم می‌شود، وسیع و فراخ است. هلاکت، مرگ و نابودی از عذاب ابدی سخن نمی‌گویند. حقیقت این است که زمانی برای مجازات و عذاب خواهد بود، اما این زمان ابدی نیست. برای آنها یک برهه زمانی به طول خواهد انجامید و بر حسب اعمالشان و از لحاظ روحانی خواهند مرد.

"و موت و عالم اموات به دریاچه‌ی آتش انداخته شد. این است موت ثانی، یعنی دریاچه‌ی آتش." مکاشفه ۱۴:۲۰

دریاچه‌ی آتش مرگ ثانویه است. مرگ نخست جسمانی است، مرگ ثانویه روحانی است. این یک عذاب ابدی نیست، بلکه یک مرگ است.

"و ابلیس که ایشان را گمراه می‌کند، به دریاچه‌ی آتش و گوگرد انداخته شد، جایی که وحش و نبی کاذب هستند؛ و ایشان تا ابدآباد شبانه‌روز عذاب خواهند کشید." مکاشفه ۱۰:۲۰

ابلیس به دریاچه‌ی آتش انداخته شد و شبانه‌روز از آیون به آیون عذاب خواهد کشید. این از یک دوره‌ی زمانی طولانی مدت صحبت می‌کند. نمی‌دانیم چقدر طولانی، شاید میلیون‌ها سال. ابلیس عذاب خواهد کشید، اما باید انتهای داشته باشد، چون او حیات ابدی را ندارد.

"^{۲۳} اکنون برای من در اینجا به خدا سوگند بخور که با من و نسل من و ذریت من خیانت نخواهی کرد، بلکه برحسب احسانی که با تو کرده‌ام، با من و با زمینی که در آن

غربت پذیرفتی، عمل خواهی نمود.»^{۲۴} ابراهیم گفت: «من سوگند می‌خورم.»^{۲۵} و ابراهیم ایملک را تنبیه کرد، به سبب چاه آبی که خادمان ایملک، از او به زور گرفته بودند.^{۲۱:۲۳-۲۵} خروج

آیا جرمی که در یک برهه‌ی زمان انجام شده است، سزاوار مجازاتی آگاهانه و ابدی است؟ تنها فرمان خدا چشم در برابر چشم است و غیره. بدین معنی که مجازات باید مطابق جرمی مرتکب شده باشد. یعنی اگر شخصی قصد دزدیدن غذا از باغ شما را داشته باشد، شما او را نخواهید کشت. در عوض، آنها مجازاتی خفیف‌تر از مجازات قاتلین و متجاوزین دریافت خواهند کرد.

"اینک همه‌ی جان‌ها از آن منند، چنان‌که جان پدر است، همچنین جان پسر نیز، هردو آنها از آن من می‌باشند. هر کسی که گناه ورزد، او خواهد مرد." حزقیال ۴:۱۸

جانی که گناه کند، خواهد مرد. مرگ به معنای عدم وجود در آن حالت است، بنابراین این حیات روحانی که جان خوانده می‌شود، دیگر وجود نخواهد داشت، به دلیل گناهی که بر آن مرتکب شده است. در نتیجه: دیدن کل متن کتاب مقدس مهم است. متأسفانه دیدگاه ارتدکس و مرسوم امروزی فاقد این مورد است. آنها به یک یا دو آیه از کتاب مقدس اتکا می‌کنند و از متن پیرامون خارج می‌کنند. جهنم بوسیله‌ی عباراتی همچون تاریکی، آتش، نابودی، هلاکت و مرگ توصیف شده است. اینها همه تصاویری از آن نیستی کامل است. داوری خدا ابدی است، اما مجازات او برای گناه برای برهه‌ای از زمان به طول می‌انجامد و سپس آن شخص بطور کامل هلاک و نیست می‌شود.